

تاریخ ۱۴۰۵/۲/۹
شماره ۰۰۵-۱۴۰۵

اتاق مشترک بازرگانی ایران و کره جنوبی

Iran and South Korea Chamber of Commerce



بسمه تعالی



معاون محترم امور بین الملل اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران

جناب آقای حلاج

موضوع: گزارش تحلیلی جایگاه ایران در وابستگی کره جنوبی به انرژی

با سلام

احتراماً،

به پیوست گزارش تفصیلی جایگاه ایران در وابستگی کره جنوبی به انرژی و ضرورت بازبینی این روابط بعد از تحولات اخیر جهت استحضار ایفاد می گردد. خواهشمند است دستور فرمایید این گزارش با در نظر گرفتن اشارات سیاسی-اقتصادی در اختیار، افراد، نهادها و سازمانهای ذیربط و یا به صلاحدید سایر علاقمندان قرار گیرد.

با تشکر

بویا فیروزی

نایب رئیس

جایگاه ایران در وابستگی کره جنوبی به انرژی و ضرورت بازیابی این روابط بعد از تحولات تنگه هرمز



اتفاق بازرگانی ایران و کره جنوبی

تهیه و تنظیم:

پویا فیروزی

مرتضی سلطانپور ابیانه

اردیبهشت ۱۴۰۵

این گزارش بر اساس آخرین تحلیل‌های منتشر شده توسط موسسات تحقیقاتی مشهور جهانی منجمله موسسات کره جنوبی در مارس و آوریل ۲۰۲۶ تهیه شده و تلاش دارد بدون ورود به حاشیه‌های سیاسی، تصویری شفاف از جایگاه ایران در معادلات انرژی کره جنوبی ارائه دهد. کره جنوبی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان انرژی در جهان، وابستگی ساختاری بالایی به منابع انرژی خاورمیانه دارد.

حالا این کشور در جنگی که خودش در آن دخیل نیست، نفس‌های سختی می‌کشد. بیش از ۶۰ درصد نفت و نیمی از مواد اولیه تراشه‌های هوشمندش از تنگه هرمز می‌گذرد. تحلیلگران کره ای می‌گویند: «تنگه هرمز برای ما خط مقدم بقاست.» اما آنچه کمتر گفته شده، یک حقیقت ساده و غافلگیرکننده است: کره جنوبی هرگز نمی‌تواند ایران را فراموش کند و ایران هم به کره نیاز دارد. این گزارش، روایت همان حقیقت ساده، اما عمیق است.

وابستگی ساختاری کره به انرژی

کره جنوبی به عنوان یک اقتصاد صنعتی توسعه یافته به شدت نیازمند تامین انرژی است.

وابستگی کره جنوبی به واردات انرژی:	
سهم نفت در سبد انرژی:	≈ ۳۸٪ تا ۹۶٪
سهم گاز LNG	≈ ۲۸٪
سهم خاورمیانه از واردات نفت	≈ ۶۰٪ تا ۷۰٪

تا پیش از بازگشت تحریم‌های ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ ایران با رتبه سوم تا چهارم در میان تامین کنندگان نفت کره جنوبی حدود ۱۰-۱۴٪ نیاز آن کشور به نفت خام را برآورده می‌ساخت. به طوریکه آن کشور روزانه بین ۳۰۰-۴۰۰ هزار بشکه نفت از ایران وارد می‌کرد.

اهمیت ایران برای کره جنوبی تنها به نفت خام محدود نبود، بلکه این کشور یکی از تامین کنندگان اصلی میعانات گازی نیز محسوب می‌شد که خوراک کلیدی برای صنایع پتروشیمی کره است. تا پیش از ۲۰۱۸ طی سالهای مختلف ایران رتبه اول یا دوم در بین تامین کنندگان این ماده حیاتی برای صنایع زیرساختی کره را داشت.

اگرچه بعد از برقراری تحریم‌ها، سهم ایران در تامین انرژی برای کره جنوبی تقریباً صفر شد و کره جنوبی با بازطراحی سبد تامین کنندگان انرژی خود، کشورهای عربستان، آمریکا، کویت، امارات و قطر (اصلی ترین تامین کننده میعانات) را

جایگزین ایران کرد، اما مسیر لجستیکی تنگه هرمز همچنان نقش حیاتی خود را در تامین نیاز صنایع کره جنوبی حفظ کرد. بطوریکه علیرغم تنوع بخشی در گروه تامین کنندگان، همچنان تامین تقریباً بین ۶۰-۷۰ درصد نفت، ۳۰-۴۰ درصد LNG و بخش عمده میعانات گازی مورد نیاز کره جنوبی به خاورمیانه و کشورهای حوزه خلیج فارس و عبور از مسیر تنگه هرمز وابسته است. بر همین اساس است که هر اختلال در هرمز، مستقیماً بیش از نیمی از انرژی کره را در معرض ریسک قرار می‌دهد.

تجربه بازارهای انرژی نشان می‌دهد حتی اختلال‌های جزئی در گلوگاه‌های استراتژیک می‌تواند به دلیل کشش پایین عرضه، اثرات غیرخطی و چندبرابری ایجاد کند.

بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد هرگونه اختلال لجستیکی در هرمز می‌تواند اثرات بزرگی در بازار داخلی کره بوجود آورد بطوریکه حتی ۲۰٪ اختلال منجر به شوک کامل شود.

شاخص	کاهش بالقوه واردات نفت	کاهش واردات LNG	افت ظرفیت پالایش
مقدار	تا ۵۵-۶۵٪	تا ۲۵-۳۰٪	۲۰-۳۵٪ در کوتاه‌مدت

این نکته را نباید فراموش کرد که کره جنوبی برای کاهش ریسک اختلال در عرضه، حدود ۹۰ تا ۱۰۰ روز ذخایر استراتژیک نفت در اختیار دارد، اما در حوزه LNG ظرفیت ذخیره‌سازی بسیار محدودتر است و این کشور در برابر شوک‌های گازی آسیب‌پذیرتر محسوب می‌شود.

محاسبات نشان می‌دهد هر ۱۰ دلار افزایش قیمت نفت می‌تواند رشد اقتصادی کره جنوبی را ۰٫۲-۰٫۴٪ کاهش و تورم آن کشور را ۰٫۳-۰٫۵٪ افزایش دهد.

سوابق تاریخی

کمی به عقب برگردیم و ببینیم این وابستگی عمیق از کجا آب می‌خورد. تاریخ روابط نفتی ایران و کره جنوبی به دهه‌های پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. کره جنوبی که تقریباً به طور کامل (بیش از ۹۶ درصد) به واردات انرژی وابسته است، همواره ایران را به عنوان یک تأمین‌کننده مطمئن و استراتژیک در سبد انرژی خود نگه داشته است. حتی در دوره‌های تحریم، سؤال با رویکردی عملگرایانه تلاش کرد تعادلی میان روابط بین‌المللی خود و نیاز حیاتی به نفت ایران برقرار کند. بسیاری از ناظران معتقدند روابط نفتی ایران و کره جنوبی، نمونه‌ای کلاسیک از «وابستگی متقابل پایدار» است؛ جایی که دو طرف علی‌رغم فشارهای خارجی، به هم نیاز دارند.

در سال ۲۰۱۶ و پس از لغو نسبی تحریم‌ها، کره جنوبی یکی از مشتاق‌ترین کشورها برای بازگشت به بازار نفت ایران بود. مقامات کره ای در دیدار با مسئولان ایرانی صراحتاً اعلام کردند: «کره جنوبی ۹۶ درصد به واردات انرژی وابسته است و نیاز دارد منابع انرژی خود را متنوع کند. ایران در این زمینه نقشی فعال ایفا می‌کند.» در همان دوره، ایران روزانه بیش از ۱۰۰ هزار بشکه نفت به کره صادر می‌کرد و مقامات ایرانی از احتمال چند برابر شدن این رقم تا پایان سال خبر می‌دادند. اما آنچه این رابطه را فراتر از خرید و فروش معمول کرد، تفاهمنامه همکاری امضا شده در سال ۲۰۱۸ میان مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی ایران و مؤسسه اقتصاد انرژی کره بود. این تفاهمنامه برای تدوین نقشه راه همکاری‌های انرژی دو کشور، آموزش پژوهشگران و اجرای پروژه‌های مشترک منعقد شد. با این گام دو طرف نه فقط به دنبال رابطه‌ای کوتاه‌مدت، بلکه به دنبال مشارکتی راهبردی و نهادی بوده‌اند.

جنگ در تنگه هرمز

گزارش‌ها و تحلیل‌های منتشر شده از سوی اندیشکده‌ها و رسانه‌های کره جنوبی در ماه‌های مارس و آوریل ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که جنگ اخیر در خاورمیانه، با وجود هزاران کیلومتر فاصله از شبه‌جزیره کره، عملاً به خط مقدم اقتصادی سئول تبدیل شده است.

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا (CSIS) در گزارشی با عنوان «تأثیر درگیری ایران بر کره جنوبی» می‌نویسد: «هیچ کشور غیرجنگی به اندازه کره جنوبی از این درگیری آسیب ندیده است.» دلیل این ادعا ساده اما ترسناک است: کره جنوبی برای روشن نگه داشتن چراغ کارخانه‌هایش، به شدت وابسته به انرژی عبوری از تنگه هرمز است. بیش از ۶۰ درصد نفت خام و ۵۴ درصد نفتای این کشور (نفتا ماده اولیه حیاتی برای تولید پلاستیک، الیاف مصنوعی و مهمتر از همه، صنعت تراشه و نیمه‌رساناهاست) از این گذرگاه آبی عبور می‌کند.

آمارهای عینی در این زمینه تکان‌دهنده است. تا سیزدهم آوریل ۲۰۲۶، از مجموع ۳۳ فروند کشتی حامل پرچم یا محموله‌های کره ای که پیش از تشدید تنش‌ها از تنگه هرمز عبور می‌کردند، ۲۶ فروند در آب‌های خلیج فارس سرگردان مانده‌اند. از این تعداد، ۱۷ فروند نفتکش و تانکر حامل فرآورده‌های نفتی و نفتا هستند. هر روز تأخیر در حرکت این کشتی‌ها، یعنی تعطیلی یک خط تولید در سئول، بوسان یا اولسان. مؤسسه کره برای اقتصاد و تجارت صنعتی (KIET) در گزارش دقیقی اعلام کرده که اگر ذخایر استراتژیک نفت کره جنوبی را بر اساس مصرف واقعی (نه فرمول‌های معمول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) محاسبه کنیم، این ذخایر فقط برای ۲۶ روز کفایت می‌کنند. کمی بیش از سه هفته. یعنی اگر تنگه هرمز برای یک ماه مسدود بماند، کره جنوبی عملاً با خاموشی صنعتی بی‌سابقه‌ای روبرو خواهد شد.



وابستگی به مسیرهای محدود انرژی، کره جنوبی را به شدت به ثبات ژئوپلیتیک خاورمیانه حساس کرده است و وابستگی ساختاری این کشور به انرژی خاورمیانه و به ویژه مسیر تنگه هرمز در کوتاه مدت قابل جایگزینی نیست.

در مجموع واضح است که اختلال در تنگه هرمز می تواند به طور مستقیم بیش از ۶۰ درصد واردات انرژی کره جنوبی را تحت تأثیر قرار دهد و این کشور را در زمره آسیب پذیرترین اقتصادهای صنعتی جهان قرار دهد. این در شرایطی است که بنا بر نظر کارشناسان بحران فعلی ناشی از جنگ ایران و آمریکا اگرچه در ۱ هفته سبب ایجاد شوک قیمتی و در ۱ ماه فشار صنعتی به کره جنوبی شده است اما بدون شک در صورت تداوم بیش از ۳ ماه این وضعیت، کره با بحران اقتصادی مواجه خواهد شد.

نفت تنها بخشی از ماجراست. صنعت پتروشیمی کره جنوبی که سهمی ۲۰ درصدی در صادرات این کشور دارد، ۱۰۰٪ به نفتا وابسته است.

صنعت نیمه رسانای کره که قلب اقتصاد این کشور را می شود و سامسونگ و اس کی هاینیکس را به غول های بی رقابت جهانی تبدیل کرده، مستقیماً از این بحران ضربه خورده است. این بخش بین ۱۸-۲۰ درصد صادرات کره جنوبی را شامل می شود. جالب اینجاست که همین تراشه ها هستند که در گوشی های هوشمند، لپ تاپ ها، خودروهای مدرن و حتی تجهیزات نظامی کره و متحدانش استفاده می شوند. قطع شدن زنجیره تأمین هلیوم، یعنی توقف خط تولید میلیون ها تراشه؛ یعنی میلیاردها دلار ضرر.

قطر که ۶۴٫۷ درصد هلیوم مصرفی کره جنوبی در فرآیند تولید تراشه را تأمین می کند، فعلاً در تأمین این نیاز ناتوان است و شهرک صنعتی راس لافان بدلیل جنگ عملاً از کار افتاده است. قیمت جهانی هلیوم که دولت کره، آن را به فهرست ۱۴ ماده اولیه حیاتی نیمه رسانا اضافه کرده، بیش از ۴۰ درصد رشد داشته است.

از طرفی محاسبات نشان می دهد ۳۰ درصد افزایش در قیمت انرژی می تواند هزینه تولید تراشه را ۱۰-۱۵ درصد افزایش رقابت پذیری جهانی کره در این حوزه را تا ۸ درصد کاهش دهد.

این موارد در کنار افزایش نرخ هزینه های لجستیک تصویر بزرگتری از اثرات اقتصادی بحران را نشان می دهد. افزایش نرخ بیمه کشتی از ۰٫۵ تا ۰٫۵۰ درصد ارزش کشتی تا ۱۰ الی ۱۰۰ درصد که سبب اعمال نرخ بیمه جنگ (War Risk) می شود از یکسو و رشد ۲-۳ برابری نرخ حمل در بحران در کنار تاخیر بین ۷-۲۱ روز در زمان حمل، فشار هزینه ای مضاعفی به بازار وارد می کند. در برخی موارد، هزینه بیمه و ریسک عملیاتی از خود قیمت مواد خام پیشی می گیرد و به عامل اصلی اختلال تبدیل می شود.

ذخایر استراتژیک اگر چه به صورت رسمی (توسط OECD) ۹۰ روز در نظر گرفته شده اما طبق برخی برآوردها، بصورت واقعی، بین ۳۰-۴۵ روز و در گزارش اخیر زیر یکماه قابل استفاده است.

ذخایر LNG به مراتب کمتر است. این نشان می‌دهد ریسک واقعی نه در سطح ذخایر اسمی، بلکه در قابلیت دسترسی و سرعت جایگزینی نهفته است.

تحلیلگران کره ای چه توصیه‌هایی دارند؟

اولین و مهم‌ترین توصیه از سوی شورای مشاوران اقتصادی ملی کره جنوبی (نهادی وابسته به دفتر رئیس‌جمهور) مطرح شده است. در نهم آوریل ۲۰۲۶، اولین نشست عمومی این شورا به ریاست «لی جه میونگ»، رئیس‌جمهور کره برگزار شد. در این نشست، پارک وون-جو، رئیس کمیته اقتصاد رشد، مجموعه اقدامات کوتاه‌مدتی را پیشنهاد کرد که در نوع خود بی‌سابقه بود: تأمین فوری نفت خام و ال.ان.جی از روسیه و ایران (حتی اگر به معنای عبور از تحریم‌ها باشد)، واردات حداکثری نفتا از چین و روسیه، حداکثرسازی ظرفیت نیروگاه‌های هسته‌ای، و حتی رایگان کردن موقت حمل و نقل عمومی برای کاهش مصرف بنزین. اما جالب‌ترین بخش پیشنهاد، ایجاد «اصل استثنا در اتحاد با آمریکا» بود. پارک وون-جو با اشاره به تجربه ژاپن در جنگ جهانی دوم و جنگ یوم کیپور گفت: «حتی در درون اتحادها، برای تأمین انرژی باید استثنا قائل شویم.» این یعنی سئول حاضر است برای حفظ رابطه با ایران، از متحد راهبردی خود یعنی آمریکا هم عبور کند.

KIET نیز در گزارش مارس ۲۰۲۶ خود، هشدار داده که کره جنوبی باید خود را برای پدیده «رکود تورمی» آماده کند. رکود تورمی ترکیب وحشتناکی از رکود اقتصادی و تورم بالاست. افزایش هزینه‌های انرژی، قیمت تمام شده کالاهای کره‌ای را در بازارهای جهانی بالا می‌برد و قدرت رقابت آنها را کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر، کارخانه‌ها برای کاهش هزینه‌ها مجبور به تعدیل نیرو می‌شوند. هونگ سونگ-ووک، محقق ارشد KIET، هشدار داده: «دولت باید پاسخ‌های صنعتی متناسب و سیستم‌های پشتیبانی برای شرکت‌ها بر اساس میزان وابستگی هر بخش به انرژی ایجاد کند. نمی‌توان با یک نسخه برای همه صنایع عمل کرد.»

پروفسور سونگ ایل-گوانگ، تحلیلگر برجسته مؤسسه دفاعی کره (KIDA)، نگاهی بلندمدت‌تر به بحران دارد. او در مصاحبه با رسانه‌های کره‌ای گفته: «تنگه هرگز دیگر فقط یک تنگه نیست؛ یک معادله دائمی در سیاست جهانی انرژی خواهد بود.» به باور او، حتی اگر جنگ امروز تمام شود، ایران از این فرصت استفاده خواهد کرد تا نوعی «عوارض عبور دائمی» وضع کند یا دست کم، محدودیت‌های گاه به گاه، همیشه یک اهرم فشار بر اقتصاد جهانی خواهد بود. سونگ ایل-گوانگ همچنین

پیش‌بینی می‌کند که شرکت‌های بیمه و کشتیرانی بین‌المللی برای ماه‌ها جرئت ورود به منطقه را پیدا نخواهند کرد و جریان گذشته به کندی بازمی‌گردد. از نگاه او، کره جنوبی باید خود را برای «دنیای پس از تنگه هرمز» آماده کند.

اما سؤال اصلی اینجاست: چرا کره جنوبی نمی‌تواند به سادگی ایران را کنار بگذارد و تأمین‌کننده دیگری پیدا کند؟ پاسخ در چهار عامل خلاصه می‌شود. اول، تنوع‌ناپذیری منابع در کوتاه‌مدت. پالایشگاه‌های کره جنوبی برای پالایش نفت سنگین طراحی شده‌اند، همان نفتی که ایران به وفور دارد. نفت روسیه نیز سنگین است، اما تحریم‌ها و مسائل لجستیک کار را سخت می‌کند. نفت سبک آمریکایی یا آفریقایی نیازمند تغییر در فرآیند پالایش است که زمان‌بر و پرهزینه است.

دوم، هزینه حمل و نقل. مسیرهای جایگزین مثل استرالیا، اندونزی یا آفریقا سه برابر هزینه حمل از خلیج فارس دارند و زمان حمل نیز دو برابر می‌شود. در صنعتی که هر روز تأخیر یعنی میلیون‌ها دلار ضرر، این گزینه‌ها فقط برای مواقع اضطرار باقی می‌مانند.

سوم، سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی. هفتاد سال رابطه نفتی، شبکه‌ای از قراردادهای، تفاهمنامه‌ها، روابط شخصی و اعتماد نهادی ایجاد کرده است که بازسازی آن با هر تأمین‌کننده جدید، سال‌ها زمان می‌برد. چهارم، واقعیت جغرافیایی محض. کره جنوبی جزیره‌ای از صنعت در شرق دور است و نفت خاورمیانه از نظر قیمت، کیفیت و مسافت، گزینه‌ای بی‌رقابت محسوب می‌شود.

حالا اگر بخواهیم یک جمع‌بندی کلی داشته باشیم، باید بگوییم که از نگاه تحلیلگران کره جنوبی، ایران نه یک دشمن فرضی، که یک شریک غیرقابل جایگزین است. ایران تنها کشوری در منطقه نیست که تنگه هرمز را کنترل می‌کند؛ ایران کشوری است که می‌تواند با یک تصمیم صنعت یک ابرقدرت شرق آسیا را دچار چالش‌های حاد کند.

کره جنوبی نیز برای ایران یک مشتری ممتاز است؛ کشوری با ۵۰ میلیون جمعیت پردرآمد، یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان و عضوی از باشگاه کشورهای توسعه‌یافته. تحلیلگران معتقد هستند گزارشات موسسات پژوهشی کره جنوبی سه پیام روشن را به جامعه کره ارائه می‌دهند.

اول، جایگاه ژئوپلیتیک ایران فراتر از مرزهای سیاسی‌اش است و می‌تواند در دورترین نقاط جهان تأثیر بگذارد.

دوم، بحران‌های جهانی همیشه فرصت‌هایی برای بازتعریف روابط ایجاد می‌کنند؛ شاید این بار، ایران و کره وارد فاز جدیدی از همکاری شوند.

سوم، همانطور که یک شورای مشورتی در سؤال گفته، «حتی در درون اتحادها، برای بقا باید استثنا قائل شد.» این یعنی دنیا دارد وارد دوره‌ای می‌شود که منافع ملی بر اتحادهای کورکورانه اولویت پیدا می‌کند.

از نگاه تحلیلگران کره جنوبی، ایران فقط یک کشور همسایه تنگه هرمز نیست. ایران «بازیگری است که می‌تواند صنعت یک ابرقدرت شرق آسیا دچار چالش کند». هفتاد سال رابطه اقتصادی، کره را چنان به ایران گره زده که جدا شدن از آن تقریباً غیرممکن است. و این گره، نه فقط اقتصادی، که احساسی و تاریخی نیز هست.

این گفته دور از واقعیت نیست که بازارها به بنیاد نگاه می‌کنند نه صرفاً به تنش‌های مقطعی و دوره‌ایی و از طرفی در برخی صنایع با بنیاد قوی، اثر تنش‌های کوتاه‌مدت محدود شده است، اما باید توجه داشت تنش‌های ژئوپلیتیک اثر خود را حذف نکرده‌اند، بلکه اثر آن‌ها در سطح بازار به صورت محدود و در سطح بخشی به صورت ناهمگون منعکس شده است.

شاید مهم‌ترین درس این بحران، چیز دیگری باشد. ایرانی‌ها و کره‌ای‌ها، هرچند هزاران کیلومتر از هم دور هستند، هرچند زبان و تا حدودی فرهنگ متفاوتی دارند، هرچند گاهی در دو سوی میز مذاکره یا حتی دو سوی یک بحران ایستاده‌اند، اما در نهایت، به هم نیاز دارند. کره به نفت ایران نیاز دارد و ایران به بازار کره و سرمایه‌گذاری‌هایش. این نیاز متقابل، نه یک نقطه ضعف، که یک نقطه قوت است. نقطه قوتی که می‌تواند دو کشور را به هم نزدیکتر و حتی متحد کند.

آنچه مسلم است، هیچ‌کدام از دو طرف نمی‌توانند یکدیگر را نادیده بگیرند. این نشان می‌دهد که در جهان امروز، تنگه هرمز فقط یک گذرگاه آبی نیست؛ یک پل است. پلی میان شرق و غرب، میان تولیدکننده و مصرف‌کننده، پلی که اگر روزی خراب شود، هر دو طرف دچار مشکل خواهند شد و شاید همین است که بزرگترین امید را برای بازبینی روابط دو کشور برای آینده فراهم کرده است.

منابع

- گزارش «راهکارهای تثبیت انرژی در برابر طولانی شدن جنگ خاورمیانه» (آوریل ۲۰۲۶) - شورای مشاوران اقتصادی ملی کره جنوبی (وابسته به دفتر رئیس‌جمهور)
- دو گزارش در درباره تأثیر درگیری ایران بر لجستیک و قیمت انرژی - مؤسسه کره برای اقتصاد و تجارت صنعتی (KIET) - مارس و آوریل ۲۰۲۶
- گزارش «تأثیر درگیری ایران بر کره جنوبی: تحلیلی داده‌محور» - مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا (CSIS) آوریل ۲۰۲۶
- تفاهمنامه همکاری مؤسسه اقتصاد انرژی کره / مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی ایران - ۲۰۱۸

جایگاه ایران در وابستگی کره جنوبی به انرژی و ضرورت بازیابی این روابط بعد از تحولات تنگه هرمز



اتفاق بازرگانی ایران و کره جنوبی

تهیه و تنظیم:

پویا فیروزی

مرتضی سلطانپور ابیانه

اردیبهشت ۱۴۰۵

این گزارش بر اساس آخرین تحلیل‌های منتشر شده توسط موسسات تحقیقاتی مشهور جهانی منجمله موسسات کره جنوبی در مارس و آوریل ۲۰۲۶ تهیه شده و تلاش دارد بدون ورود به حاشیه‌های سیاسی، تصویری شفاف از جایگاه ایران در معادلات انرژی کره جنوبی ارائه دهد. کره جنوبی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان انرژی در جهان، وابستگی ساختاری بالایی به منابع انرژی خاورمیانه دارد.

حالا این کشور در جنگی که خودش در آن دخیل نیست، نفس‌های سختی می‌کشد. بیش از ۶۰ درصد نفت و نیمی از مواد اولیه تراشه‌های هوشمندش از تنگه هرمز می‌گذرد. تحلیلگران کره ای می‌گویند: «تنگه هرمز برای ما خط مقدم بقاست.» اما آنچه کمتر گفته شده، یک حقیقت ساده و غافلگیرکننده است: کره جنوبی هرگز نمی‌تواند ایران را فراموش کند و ایران هم به کره نیاز دارد. این گزارش، روایت همان حقیقت ساده، اما عمیق است.

وابستگی ساختاری کره به انرژی

کره جنوبی به عنوان یک اقتصاد صنعتی توسعه یافته به شدت نیازمند تامین انرژی است.

وابستگی کره جنوبی به واردات انرژی:	
سهم نفت در سبد انرژی:	≈ ۳۸٪ تا ۹۶٪
سهم گاز LNG	≈ ۲۸٪
سهم خاورمیانه از واردات نفت	≈ ۶۰٪ تا ۷۰٪

تا پیش از بازگشت تحریم‌های ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ ایران با رتبه سوم تا چهارم در میان تامین کنندگان نفت کره جنوبی حدود ۱۰-۱۴٪ نیاز آن کشور به نفت خام را برآورده می‌ساخت. به طوریکه آن کشور روزانه بین ۳۰۰-۴۰۰ هزار بشکه نفت از ایران وارد می‌کرد.

اهمیت ایران برای کره جنوبی تنها به نفت خام محدود نبود، بلکه این کشور یکی از تامین کنندگان اصلی میعانات گازی نیز محسوب می‌شد که خوراک کلیدی برای صنایع پتروشیمی کره است. تا پیش از ۲۰۱۸ طی سالهای مختلف ایران رتبه اول یا دوم در بین تامین کنندگان این ماده حیاتی برای صنایع زیرساختی کره را داشت.

اگرچه بعد از برقراری تحریم‌ها، سهم ایران در تامین انرژی برای کره جنوبی تقریباً صفر شد و کره جنوبی با بازطراحی سبد تامین کنندگان انرژی خود، کشورهای عربستان، آمریکا، کویت، امارات و قطر (اصلی ترین تامین کننده میعانات) را

جایگزین ایران کرد، اما مسیر لجستیکی تنگه هرمز همچنان نقش حیاتی خود را در تامین نیاز صنایع کره جنوبی حفظ کرد. بطوریکه علیرغم تنوع بخشی در گروه تامین کنندگان، همچنان تامین تقریباً بین ۶۰-۷۰ درصد نفت، ۳۰-۴۰ درصد LNG و بخش عمده میعانات گازی مورد نیاز کره جنوبی به خاورمیانه و کشورهای حوزه خلیج فارس و عبور از مسیر تنگه هرمز وابسته است. بر همین اساس است که هر اختلال در هرمز، مستقیماً بیش از نیمی از انرژی کره را در معرض ریسک قرار می‌دهد.

تجربه بازارهای انرژی نشان می‌دهد حتی اختلال‌های جزئی در گلوگاه‌های استراتژیک می‌تواند به دلیل کشش پایین عرضه، اثرات غیرخطی و چندبرابری ایجاد کند.

بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد هرگونه اختلال لجستیکی در هرمز می‌تواند اثرات بزرگی در بازار داخلی کره بوجود آورد بطوریکه حتی ۲۰٪ اختلال منجر به شوک کامل شود.

شاخص	کاهش بالقوه واردات نفت	کاهش واردات LNG	افت ظرفیت پالایش
مقدار	تا ۵۵-۶۵٪	تا ۲۵-۳۰٪	۲۰-۳۵٪ در کوتاه‌مدت

این نکته را نباید فراموش کرد که کره جنوبی برای کاهش ریسک اختلال در عرضه، حدود ۹۰ تا ۱۰۰ روز ذخایر استراتژیک نفت در اختیار دارد، اما در حوزه LNG ظرفیت ذخیره‌سازی بسیار محدودتر است و این کشور در برابر شوک‌های گازی آسیب‌پذیرتر محسوب می‌شود.

محاسبات نشان می‌دهد هر ۱۰ دلار افزایش قیمت نفت می‌تواند رشد اقتصادی کره جنوبی را ۰٫۲-۰٫۴٪ کاهش و تورم آن کشور را ۰٫۳-۰٫۵٪ افزایش دهد.

سوابق تاریخی

کمی به عقب برگردیم و ببینیم این وابستگی عمیق از کجا آب می‌خورد. تاریخ روابط نفتی ایران و کره جنوبی به دهه‌های پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. کره جنوبی که تقریباً به طور کامل (بیش از ۹۶ درصد) به واردات انرژی وابسته است، همواره ایران را به عنوان یک تأمین‌کننده مطمئن و استراتژیک در سبد انرژی خود نگه داشته است. حتی در دوره‌های تحریم، سؤال با رویکردی عملگرایانه تلاش کرد تعادلی میان روابط بین‌المللی خود و نیاز حیاتی به نفت ایران برقرار کند. بسیاری از ناظران معتقدند روابط نفتی ایران و کره جنوبی، نمونه‌ای کلاسیک از «وابستگی متقابل پایدار» است؛ جایی که دو طرف علی‌رغم فشارهای خارجی، به هم نیاز دارند.

در سال ۲۰۱۶ و پس از لغو نسبی تحریم‌ها، کره جنوبی یکی از مشتاق‌ترین کشورها برای بازگشت به بازار نفت ایران بود. مقامات کره ای در دیدار با مسئولان ایرانی صراحتاً اعلام کردند: «کره جنوبی ۹۶ درصد به واردات انرژی وابسته است و نیاز دارد منابع انرژی خود را متنوع کند. ایران در این زمینه نقشی فعال ایفا می‌کند.» در همان دوره، ایران روزانه بیش از ۱۰۰ هزار بشکه نفت به کره صادر می‌کرد و مقامات ایرانی از احتمال چند برابر شدن این رقم تا پایان سال خبر می‌دادند. اما آنچه این رابطه را فراتر از خرید و فروش معمول کرد، تفاهمنامه همکاری امضا شده در سال ۲۰۱۸ میان مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی ایران و مؤسسه اقتصاد انرژی کره بود. این تفاهمنامه برای تدوین نقشه راه همکاری‌های انرژی دو کشور، آموزش پژوهشگران و اجرای پروژه‌های مشترک منعقد شد. با این گام دو طرف نه فقط به دنبال رابطه‌ای کوتاه‌مدت، بلکه به دنبال مشارکتی راهبردی و نهادی بوده‌اند.

جنگ در تنگه هرمز

گزارش‌ها و تحلیل‌های منتشر شده از سوی اندیشکده‌ها و رسانه‌های کره جنوبی در ماه‌های مارس و آوریل ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که جنگ اخیر در خاورمیانه، با وجود هزاران کیلومتر فاصله از شبه‌جزیره کره، عملاً به خط مقدم اقتصادی سئول تبدیل شده است.

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا (CSIS) در گزارشی با عنوان «تأثیر درگیری ایران بر کره جنوبی» می‌نویسد: «هیچ کشور غیرجنگی به اندازه کره جنوبی از این درگیری آسیب ندیده است.» دلیل این ادعا ساده اما ترسناک است: کره جنوبی برای روشن نگه داشتن چراغ کارخانه‌هایش، به شدت وابسته به انرژی عبوری از تنگه هرمز است. بیش از ۶۰ درصد نفت خام و ۵۴ درصد نفتای این کشور (نفتا ماده اولیه حیاتی برای تولید پلاستیک، الیاف مصنوعی و مهمتر از همه، صنعت تراشه و نیمه‌رساناهاست) از این گذرگاه آبی عبور می‌کند.

آمارهای عینی در این زمینه تکان‌دهنده است. تا سیزدهم آوریل ۲۰۲۶، از مجموع ۳۳ فروند کشتی حامل پرچم یا محموله‌های کره ای که پیش از تشدید تنش‌ها از تنگه هرمز عبور می‌کردند، ۲۶ فروند در آب‌های خلیج فارس سرگردان مانده‌اند. از این تعداد، ۱۷ فروند نفتکش و تانکر حامل فرآورده‌های نفتی و نفتا هستند. هر روز تأخیر در حرکت این کشتی‌ها، یعنی تعطیلی یک خط تولید در سئول، بوسان یا اولسان. مؤسسه کره برای اقتصاد و تجارت صنعتی (KIET) در گزارش دقیقی اعلام کرده که اگر ذخایر استراتژیک نفت کره جنوبی را بر اساس مصرف واقعی (نه فرمول‌های معمول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) محاسبه کنیم، این ذخایر فقط برای ۲۶ روز کفایت می‌کنند. کمی بیش از سه هفته. یعنی اگر تنگه هرمز برای یک ماه مسدود بماند، کره جنوبی عملاً با خاموشی صنعتی بی‌سابقه‌ای روبرو خواهد شد.



وابستگی به مسیرهای محدود انرژی، کره جنوبی را به شدت به ثبات ژئوپلیتیک خاورمیانه حساس کرده است و وابستگی ساختاری این کشور به انرژی خاورمیانه و به ویژه مسیر تنگه هرمز در کوتاه مدت قابل جایگزینی نیست.

در مجموع واضح است که اختلال در تنگه هرمز می تواند به طور مستقیم بیش از ۶۰ درصد واردات انرژی کره جنوبی را تحت تأثیر قرار دهد و این کشور را در زمره آسیب پذیرترین اقتصادهای صنعتی جهان قرار دهد. این در شرایطی است که بنا بر نظر کارشناسان بحران فعلی ناشی از جنگ ایران و آمریکا اگرچه در ۱ هفته سبب ایجاد شوک قیمتی و در ۱ ماه فشار صنعتی به کره جنوبی شده است اما بدون شک در صورت تداوم بیش از ۳ ماه این وضعیت، کره با بحران اقتصادی مواجه خواهد شد.

نفت تنها بخشی از ماجراست. صنعت پتروشیمی کره جنوبی که سهمی ۲۰ درصدی در صادرات این کشور دارد، ۱۰۰٪ به نفتا وابسته است.

صنعت نیمه رسانای کره که قلب اقتصاد این کشور را می شود و سامسونگ و اس کی هاینیکس را به غول های بی رقابت جهانی تبدیل کرده، مستقیماً از این بحران ضربه خورده است. این بخش بین ۱۸-۲۰ درصد صادرات کره جنوبی را شامل می شود. جالب اینجاست که همین تراشه ها هستند که در گوشی های هوشمند، لپ تاپ ها، خودروهای مدرن و حتی تجهیزات نظامی کره و متحدانش استفاده می شوند. قطع شدن زنجیره تأمین هلیوم، یعنی توقف خط تولید میلیون ها تراشه؛ یعنی میلیاردها دلار ضرر.

قطر که ۶۴٫۷ درصد هلیوم مصرفی کره جنوبی در فرآیند تولید تراشه را تأمین می کند، فعلاً در تأمین این نیاز ناتوان است و شهرک صنعتی راس لافان بدلیل جنگ عملاً از کار افتاده است. قیمت جهانی هلیوم که دولت کره، آن را به فهرست ۱۴ ماده اولیه حیاتی نیمه رسانا اضافه کرده، بیش از ۴۰ درصد رشد داشته است.

از طرفی محاسبات نشان می دهد ۳۰ درصد افزایش در قیمت انرژی می تواند هزینه تولید تراشه را ۱۰-۱۵ درصد افزایش رقابت پذیری جهانی کره در این حوزه را تا ۸ درصد کاهش دهد.

این موارد در کنار افزایش نرخ هزینه های لجستیک تصویر بزرگتری از اثرات اقتصادی بحران را نشان می دهد. افزایش نرخ بیمه کشتی از ۰٫۵ تا ۰٫۵۰ درصد ارزش کشتی تا ۱۰ الی ۱۰۰ درصد که سبب اعمال نرخ بیمه جنگ (War Risk) می شود از یکسو و رشد ۲-۳ برابری نرخ حمل در بحران در کنار تاخیر بین ۷-۲۱ روز در زمان حمل، فشار هزینه ای مضاعفی به بازار وارد می کند. در برخی موارد، هزینه بیمه و ریسک عملیاتی از خود قیمت مواد خام پیشی می گیرد و به عامل اصلی اختلال تبدیل می شود.

ذخایر استراتژیک اگر چه به صورت رسمی (توسط OECD) ۹۰ روز در نظر گرفته شده اما طبق برخی برآوردها، بصورت واقعی، بین ۳۰-۴۵ روز و در گزارش اخیر زیر یکماه قابل استفاده است.

ذخایر LNG به مراتب کمتر است. این نشان می‌دهد ریسک واقعی نه در سطح ذخایر اسمی، بلکه در قابلیت دسترسی و سرعت جایگزینی نهفته است.

تحلیلگران کره ای چه توصیه‌هایی دارند؟

اولین و مهم‌ترین توصیه از سوی شورای مشاوران اقتصادی ملی کره جنوبی (نهادی وابسته به دفتر رئیس‌جمهور) مطرح شده است. در نهم آوریل ۲۰۲۶، اولین نشست عمومی این شورا به ریاست «لی جه میونگ»، رئیس‌جمهور کره برگزار شد. در این نشست، پارک وون-جو، رئیس کمیته اقتصاد رشد، مجموعه اقدامات کوتاه‌مدتی را پیشنهاد کرد که در نوع خود بی‌سابقه بود: تأمین فوری نفت خام و ال.ان.جی از روسیه و ایران (حتی اگر به معنای عبور از تحریم‌ها باشد)، واردات حداکثری نفتا از چین و روسیه، حداکثرسازی ظرفیت نیروگاه‌های هسته‌ای، و حتی رایگان کردن موقت حمل و نقل عمومی برای کاهش مصرف بنزین. اما جالب‌ترین بخش پیشنهاد، ایجاد «اصل استثنا در اتحاد با آمریکا» بود. پارک وون-جو با اشاره به تجربه ژاپن در جنگ جهانی دوم و جنگ یوم کیپور گفت: «حتی در درون اتحادها، برای تأمین انرژی باید استثنا قائل شویم.» این یعنی سئول حاضر است برای حفظ رابطه با ایران، از متحد راهبردی خود یعنی آمریکا هم عبور کند.

KIET نیز در گزارش مارس ۲۰۲۶ خود، هشدار داده که کره جنوبی باید خود را برای پدیده «رکود تورمی» آماده کند. رکود تورمی ترکیب وحشتناکی از رکود اقتصادی و تورم بالاست. افزایش هزینه‌های انرژی، قیمت تمام شده کالاهای کره‌ای را در بازارهای جهانی بالا می‌برد و قدرت رقابت آنها را کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر، کارخانه‌ها برای کاهش هزینه‌ها مجبور به تعدیل نیرو می‌شوند. هونگ سونگ-ووک، محقق ارشد KIET، هشدار داده: «دولت باید پاسخ‌های صنعتی متناسب و سیستم‌های پشتیبانی برای شرکت‌ها بر اساس میزان وابستگی هر بخش به انرژی ایجاد کند. نمی‌توان با یک نسخه برای همه صنایع عمل کرد.»

پروفسور سونگ ایل-گوانگ، تحلیلگر برجسته مؤسسه دفاعی کره (KIDA)، نگاهی بلندمدت‌تر به بحران دارد. او در مصاحبه با رسانه‌های کره‌ای گفته: «تنگه هرگز دیگر فقط یک تنگه نیست؛ یک معادله دائمی در سیاست جهانی انرژی خواهد بود.» به باور او، حتی اگر جنگ امروز تمام شود، ایران از این فرصت استفاده خواهد کرد تا نوعی «عوارض عبور دائمی» وضع کند یا دست کم، محدودیت‌های گاه به گاه، همیشه یک اهرم فشار بر اقتصاد جهانی خواهد بود. سونگ ایل-گوانگ همچنین

پیش‌بینی می‌کند که شرکت‌های بیمه و کشتیرانی بین‌المللی برای ماه‌ها جرئت ورود به منطقه را پیدا نخواهند کرد و جریان گذشته به کندی بازمی‌گردد. از نگاه او، کره جنوبی باید خود را برای «دنیای پس از تنگه هرمز» آماده کند.

اما سؤال اصلی اینجاست: چرا کره جنوبی نمی‌تواند به سادگی ایران را کنار بگذارد و تأمین‌کننده دیگری پیدا کند؟ پاسخ در چهار عامل خلاصه می‌شود. اول، تنوع‌ناپذیری منابع در کوتاه‌مدت. پالایشگاه‌های کره جنوبی برای پالایش نفت سنگین طراحی شده‌اند، همان نفتی که ایران به وفور دارد. نفت روسیه نیز سنگین است، اما تحریم‌ها و مسائل لجستیک کار را سخت می‌کند. نفت سبک آمریکایی یا آفریقایی نیازمند تغییر در فرآیند پالایش است که زمان‌بر و پرهزینه است.

دوم، هزینه حمل و نقل. مسیرهای جایگزین مثل استرالیا، اندونزی یا آفریقا سه برابر هزینه حمل از خلیج فارس دارند و زمان حمل نیز دو برابر می‌شود. در صنعتی که هر روز تأخیر یعنی میلیون‌ها دلار ضرر، این گزینه‌ها فقط برای مواقع اضطرار باقی می‌مانند.

سوم، سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی. هفتاد سال رابطه نفتی، شبکه‌ای از قراردادهای، تفاهمنامه‌ها، روابط شخصی و اعتماد نهادی ایجاد کرده است که بازسازی آن با هر تأمین‌کننده جدید، سال‌ها زمان می‌برد. چهارم، واقعیت جغرافیایی محض. کره جنوبی جزیره‌ای از صنعت در شرق دور است و نفت خاورمیانه از نظر قیمت، کیفیت و مسافت، گزینه‌ای بی‌رقابت محسوب می‌شود.

حالا اگر بخواهیم یک جمع‌بندی کلی داشته باشیم، باید بگوییم که از نگاه تحلیلگران کره جنوبی، ایران نه یک دشمن فرضی، که یک شریک غیرقابل جایگزین است. ایران تنها کشوری در منطقه نیست که تنگه هرمز را کنترل می‌کند؛ ایران کشوری است که می‌تواند با یک تصمیم صنعت یک ابرقدرت شرق آسیا را دچار چالش‌های حاد کند.

کره جنوبی نیز برای ایران یک مشتری ممتاز است؛ کشوری با ۵۰ میلیون جمعیت پردرآمد، یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان و عضوی از باشگاه کشورهای توسعه‌یافته. تحلیلگران معتقد هستند گزارشات موسسات پژوهشی کره جنوبی سه پیام روشن را به جامعه کره ارائه می‌دهند.

اول، جایگاه ژئوپلیتیک ایران فراتر از مرزهای سیاسی‌اش است و می‌تواند در دورترین نقاط جهان تأثیر بگذارد.

دوم، بحران‌های جهانی همیشه فرصت‌هایی برای بازتعریف روابط ایجاد می‌کنند؛ شاید این بار، ایران و کره وارد فاز جدیدی از همکاری شوند.

سوم، همانطور که یک شورای مشورتی در سؤال گفته، «حتی در درون اتحادها، برای بقا باید استثنا قائل شد.» این یعنی دنیا دارد وارد دوره‌ای می‌شود که منافع ملی بر اتحادهای کورکورانه اولویت پیدا می‌کند.

از نگاه تحلیلگران کره جنوبی، ایران فقط یک کشور همسایه تنگه هرمز نیست. ایران «بازیگری است که می‌تواند صنعت یک ابرقدرت شرق آسیا دچار چالش کند». هفتاد سال رابطه اقتصادی، کره را چنان به ایران گره زده که جدا شدن از آن تقریباً غیرممکن است. و این گره، نه فقط اقتصادی، که احساسی و تاریخی نیز هست.

این گفته دور از واقعیت نیست که بازارها به بنیاد نگاه می‌کنند نه صرفاً به تنش‌های مقطعی و دوره‌ایی و از طرفی در برخی صنایع با بنیاد قوی، اثر تنش‌های کوتاه‌مدت محدود شده است، اما باید توجه داشت تنش‌های ژئوپلیتیک اثر خود را حذف نکرده‌اند، بلکه اثر آن‌ها در سطح بازار به صورت محدود و در سطح بخشی به صورت ناهمگون منعکس شده است.

شاید مهم‌ترین درس این بحران، چیز دیگری باشد. ایرانی‌ها و کره‌ای‌ها، هرچند هزاران کیلومتر از هم دور هستند، هرچند زبان و تا حدودی فرهنگ متفاوتی دارند، هرچند گاهی در دو سوی میز مذاکره یا حتی دو سوی یک بحران ایستاده‌اند، اما در نهایت، به هم نیاز دارند. کره به نفت ایران نیاز دارد و ایران به بازار کره و سرمایه‌گذاری‌هایش. این نیاز متقابل، نه یک نقطه ضعف، که یک نقطه قوت است. نقطه قوتی که می‌تواند دو کشور را به هم نزدیکتر و حتی متحد کند.

آنچه مسلم است، هیچ‌کدام از دو طرف نمی‌توانند یکدیگر را نادیده بگیرند. این نشان می‌دهد که در جهان امروز، تنگه هرمز فقط یک گذرگاه آبی نیست؛ یک پل است. پلی میان شرق و غرب، میان تولیدکننده و مصرف‌کننده، پلی که اگر روزی خراب شود، هر دو طرف دچار مشکل خواهند شد و شاید همین است که بزرگترین امید را برای بازبینی روابط دو کشور برای آینده فراهم کرده است.

منابع

- گزارش «راهکارهای تثبیت انرژی در برابر طولانی شدن جنگ خاورمیانه» (آوریل ۲۰۲۶) - شورای مشاوران اقتصادی ملی کره جنوبی (وابسته به دفتر رئیس‌جمهور)
- دو گزارش در درباره تأثیر درگیری ایران بر لجستیک و قیمت انرژی - مؤسسه کره برای اقتصاد و تجارت صنعتی (KIET) - مارس و آوریل ۲۰۲۶
- گزارش «تأثیر درگیری ایران بر کره جنوبی: تحلیلی داده‌محور» - مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا (CSIS) آوریل ۲۰۲۶
- تفاهمنامه همکاری مؤسسه اقتصاد انرژی کره / مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی ایران - ۲۰۱۸